

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در سیره رضوی

محمدعلی طاهری نژاد*

چکیده

موضوع سرمایه و انباشتن آن در جامعه بشری از جمله مشکلات ویرانگر در همه اعصار بوده است. امروزه به واسطه ابزارهای جدید، محاسبه‌های رایانه‌ای، ماشینی شدن ابزارهای تولید و مصرف، دامنه تخریب و تأثیرگذاری این بیماری بزرگ اجتماعی، بسیار عمیق‌تر شده است. از رهاوردهای شوم آن می‌توان به جنگ‌ها و نابسامانی‌های گسترده در ابعاد اجتماعی که از طریق انباشتن سرمایه و ایجاد نظام سرمایه‌داری است، اشاره کرد. در این نوشتار که به روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته، سعی شده تا نظام سرمایه‌داری و تکثیرگرایی که از جهت مفهومی، مصداقی و کاربرد قرآنی، همان فزون‌طلبی، برتری‌جویی و پیشی گرفتن از دیگران در اندوختن مال است، در سیره قولی و فعلی امام رضا^(ع)، با معیارها و ملاک‌های تکثیر به‌طور عام و تکثیرگرایی و آثار مادی و معنوی آن بررسی شود. واکاوی سیره و روایت‌های رضوی نشان می‌دهد اصالت دادن به مالکیت انسان، انحصار و احتکار و بیش‌غلط در کسب مال، از مهم‌ترین معیار و ملاک‌های تکثیر در آموزه‌های دینی است. از سوی دیگر، رباخواری، کم‌فروشی، استعمار و تجمل‌گرایی، از آثار مادی و ترک کارهای خیر و گرایش به سودجویی، بی‌مسئولیتی و فراموش کردن آخرت نیز در شمار آثار معنوی تکثیر بر زندگی شمرده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

امام رضا^(ع)، سیره رضوی، تکثیر، آثار مادی و معنوی، نظام سرمایه‌داری

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۲/۰۲

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن کریم مشهد

M41taherynejad@gmail.com

❖ مقدمه

نظام سرمایه‌داری از طریق تکاثر توانسته زمام امور جامعه را بر عهده گیرد و جایگاه اجتماعی خود را با زر و زور در میان اقشار مردم در دوره‌های زندگی بشری ارتقاء بخشد و حاکم بلامنازع مردم در این میان شود. در چنین نظامی، انسان، آزادی لازم و شایسته‌ای در حیات مادی، معنوی و اعتقادی خود ندارد. عملکرد او فقط در چارچوب‌هایی ظاهر می‌شود که نظریه‌پردازان انسان‌گرا از قبل برای وی مقرر کرده‌اند. این بدان معناست که انسان در نظام جدید بشری، به شیوه نو در اسارت و یوغ نظام فکری، فرهنگی، عاطفی و مذهبی به سر می‌برد. انسان در چنین نظامی، مسخ و از درون تهی می‌شود. این ضربه سهمگین و جبران‌ناپذیر بر پیکره مقدس انسان الهی، بخشی از رهاورد نظام سرمایه‌داری جدید به شکل تکاثر است و برای نجات، راهی جز شناخت درست این پدیده و منشأ آن در بُعد انسان‌شناسی با توجه به معیارهای اصیل الهی در قرآن و روایت‌ها وجود ندارد. از این‌رو به بخشی از تعالیم امام رضا^(ع) - به‌عنوان مفسر وحی - اشاره شده است.

موضوع‌شناسی

موضوع سرمایه و ثروت، قلمروی زیادی دارد، یکی از آنها در جهان‌بینی توحیدی، تکاثر بوده که از مظاهر حیات مادی شمرده شده و تأثیر بسزایی بر سرنوشت انسان گذاشته است.

۱. سرمایه و ثروت در اسلام

در جهان‌بینی انسانی اسلام، اینکه فرد فقط به بُعد مادی بیندیشد و تمام سعی خود را به جمع‌آوری ثروت (تکاثر) معطوف دارد، مقبول نیست و بارها نسبت به کسانی که همه همت خود را به زندگی مادی گره زده‌اند، هشدار داده شده است. «أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا؛ ای رسول، دیدی حال آن کس را که به آیات ما کافر شد و گفت: من البته مال و فرزند بسیار خواهم داشت» (مریم/۷۷).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۳۹

آیات و روایات، چنین اندیشه‌های غلطی را مایه اسارت و اختناق مادی بشر دانسته و توصیه می‌کنند فریب آن‌را نخورند، چون نتیجه قهری کثرت‌طلبی و تکاثر بی‌حد و مرز، باعث تباهی شده، انسان را کم‌کم به کام هلاکت کشانده و در زمره زیانمندترین مردم در معامله‌ها و نومیدترین آنها در تلاش و سعی قرار می‌دهد (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۵۵۲).

قرآن تصویر چنین نمونه‌هایی - مانند فرعون، فارون و ابوجهل - را که مصداق بارز این رفتارهاست بیان می‌دارد. «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا؛ می‌گوید: مال بسیاری تلف کردم» (بلد/۶؛ زخرف/۵۲؛ قصص/۷۸). البته در صورتی که ثروت در خدمت اهداف و انگیزه‌های الهی قرار گیرد، در آموزه‌های دین مورد تمجید و ستایش قرار گرفته (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹: ۵۲) و آن‌را موجب تقرب به خدا (سبأ/۳۷)، شاخصی برای جهاد در راه خدا (نساء/۹۵) و فضل خدا (جمعه/۱۰) شمرده است. همچنین نبودن یا کمبود ثروت را برای چنین اهدافی مایه سقوط فرد و جامعه دانسته و آن‌را «موت الاکبر» می‌داند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۷۱۵) و دوست نداشتن آن، به منزله شایستگی نداشتن فرد تلقی می‌شود، امام صادق^(ع) می‌فرماید:

لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَتُهُ؛ در کار کسی که مال را دوست ندارد، برای اینکه به وسیله آن، آبروی خود را حفظ کند، بدهی‌های خود را بپردازد و نیز صله رحم انجام دهد، خیر و شایستگی وجود ندارد (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۵: ۷۲).

مفهوم‌شناسی تکاثر

کلمه تکاثر از ریشه «کثره» نقیص «قله» ثلاثی مزید و از باب تفاعل است (ابن‌فارس ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۶۰)، بدین معنا که شخصی به دیگری فخر بفروشد که مال و فرزند بیشتری دارم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۹: ۲۸۸). واژه «تکاثر» و «مکاثره» مترادف هستند و به معنای رقابت و پیشی گرفتن از دیگران در ثروت‌اندوزی است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۰۳).

با توجه به این معانی، در واقع تکاثر از طریق مال‌اندوزی، دشمنی خدا را برمی‌انگیزد و به وسیله آن بر دوستان خدا فخر می‌فروشد (فخررازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۵: ۱۳۴).

۱۴۰ ❖ فرهنگ رضوی

خاستگاه و منشأ تکاثر طلبی، قوه شهوانی و تعلق‌های دنیوی است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰: ۲۹). گرایش به آن، این صفت را در وجود آدمی متجلی کرده و او را در جهت مال‌اندوزی و افزون‌طلبی سوق می‌دهد. از دیگر عوامل عمده بروز این حس (قوه شهوانی)، جهل و نادانی نسبت به پاداش‌ها و کیفرهای الهی و بی‌ایمانی به معاد و (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۶۶، ج ۲۷: ۲۸۱) ناآگاهی نسبت به ضعف‌ها و ناتوانی‌های فردی یا نگرش‌های سیستمی سرمایه‌داری است (صدر، ۱۳۵۰: ۳۰۲).

۱. کاربردهای قرآنی

واژه تکاثر دو بار در قرآن کریم آمده است. در یک سوره (همزه/۱) بدون متعلق آمده و در دیگری (حدید/۲۰) با متعلق آن که اولاد و اموال ذکر شده است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷: ۱۵۳). البته از نگاه قرآن، دامنه و گستره آن مربوط به مصادیقی (هلالی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۹۵۳) است که منجر به دوری از خداوند متعال می‌شود (نور/۳۷) و به دنبال آن سرکشی و طغیان فرد (علق/۷) سرلوحه زندگی قرار گرفته و همیشه با نگاه کوتاه‌بین خود، مال و اولاد را پشتوانه خود می‌داند (سباء/۳۴). از این رو، لحن کلام چنین تفکری، بزرگداشت خود و نادیده گرفتن مقام و شأن خدا خواهد بود (کهف/۳۴)، در حالی که اینها در پیشگاه خداوند در روز حساب برای صاحب چنین تفکری منفعت ندارد (شعراء/۸۸).

ملاک و معیارهای تکاثر

کسب ثروت از راه و روش‌های غیر معمول، مغایر آموزه‌های دینی و در حقیقت به‌عنوان یک ضد ارزش قلمداد شده است (مصباح‌الشریعة منسوب به جعفر بن محمد^(ع)، ۱۳۶۰: ۳۸). تعلق انسان به اشیاء که باعث بر هم زدن توازن ثروت در جوامع انسانی شده (مطهری، بی تا، ج ۲: ۱۰۷)، از عمده‌ترین عوامل انحطاط جامعه انسانی است. باید دانست که دلیل این امر ریشه در جهان‌بینی نادرست بشر دارد، چون جهان‌بینی و نگرش افراد، ماهیت زندگی انسانی را شکل می‌دهد و همین امر نادرست، بر هدف، معنا و سبک زندگی تأثیر می‌گذارد.

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۱

لذا ملاک و معیارهای غلط، حاکمیت ارزش‌های نظام سرمایه‌داری و مال‌اندوزی، می‌تواند زمینه‌های منجر به پیامدهای خطرناک را به وجود آورد.

۱. اصالت دادن به مالکیت انسان

در جهان‌بینی‌های غیرالهی که مبنای آن بر اصالت نفع فرد (اصالت نفع) قرار دارد (ایروانی، ۱۳۹۱: ۵۶)، همواره مالکیت به‌عنوان پدیده‌ای اثرگذار در طول تاریخ، خود را نشان داده است و توانسته منشأ بسیاری از فسادها و بیدادگری‌ها در عرصه اجتماعی باشد. دلیل اصلی این نقش محوری در مالکیت، به انسان کاملاً نیازمند برمی‌گردد، چون انسان، همیشه درصدد رفع نیازهای خود برآمده و به دنبال تأمین آرامش جسمی، مادی، روحی و روانی خود است. تأمین نیازهای انسانی نیازمند داشتن مال و توانایی‌های دیگر است و همین امر باعث بروز مالکیت در زندگی انسان می‌شود. گرچه مالکیت، رابطه و پیوندی است میان شخص و چیزی که آن را به نحوی به دست آورده (سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۷)، اما این امر می‌تواند حس فزون‌طلبی را در انسان ایجاد کند و اکتفا نکردن به نیازهای کنونی و در نظر گرفتن آینده نیز می‌تواند مزید بر علت این حس که همان تکثیر است، باشد. انباشتن ثروت و گردآوری کالاها از همین معبر رخ می‌دهد و باعث برهم زدن تمام مقدرات جوامع انسانی می‌شود.

امام رضا^(ع) در ذیل آیه «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...»

(انفال / ۴۱) فرمودند:

قَطَّوْطٍ عَلَيْنَا بِذَلِكَ اِمْتِنَانًا مِنْهُ وَرَحْمَةً إِذَا كَانَ الْمَالِكُ لِلنَّفُوسِ وَالْأَمْوَالِ وَسَائِرِ الْأَشْيَاءِ
الْمَلِكِ الْحَقِيقِيِّ وَكَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِيَّ وَأَنَّهُمْ مَالِكُونَ مَجَازًا لَا حَقِيقَةً لَهُ؛ و از
آن جهت چنین کرد تا با رحمت خود بر ما منت گذارد، زیرا مالک جان‌ها، مال‌ها و
چیزهای دیگر خود اوست که مالکیت حقیقی دارد و آنچه در دست مردم است
عنوان عاریه دارد، مردمان به مجاز مالکند نه به حقیقت و آنچه مردم به دست
می‌آورند (از راه کسب و کار، بازرگانی، صنعت و ...) همه، در حقیقت غنیمت است
(یعنی مالک خمس آن نیستند و باید بپردازند) (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا^(ع)،

۱۴۰۶ق: ۴۳۹).

در این بیان، حضرت، مالکیت حقیقی را ویژه خداوند می‌دانند، یعنی در حقیقت ایشان مالکیت برای غیر خدا را امری اعتباری دانسته و آن را برای خداوند مطلق می‌دانند.

«وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ؛ و آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه ملک خداست» (نجم/۳۱) و مالکیت دیگران محدود و نسبی، یعنی این مفهوم مالکیت، عینیتی در خارج ندارد و فقط اعتباری جعل شده است تا رابطه مالک و مملوک که در خارج از فضای ذهن انسان عینیت دارد، شکل گرفته و باعث رونق و ادامه تصرف و بهره‌مندی شود. به عنوان مثال:

جوانی که به دریا می‌رود، به صید ماهی می‌پردازد و ماهی بزرگی را صید کرده و آن را به بازار فروش حمل می‌کند، روی آن قیمت معینی می‌گذارد و برای فروش و هبه، خود را از تمام افراد، صالح‌تر می‌داند، در حقیقت تصور مالک و مملوک را ترسیم می‌کند و این چیزی غیر از رابطه اعتباری که همان مالکیت باشد، نشان داده نمی‌شود (سبحانی، ۱۳۹۱: ۴۷).

حضرت رضا^(ع) فرمودند: «وَأَنَّهُمْ مَالِكُونَ مَجَازاً لَا حَقِيقَةً لَهُ وَكُلُّ مَا أَفَادَهُ النَّاسُ فَهُوَ غَنِيمَةٌ؛ مردمان، مالک مجازی (عاریتی) هستند که مالکیت آنان حقیقتی ندارد و همه آنها را از راه سود به دست می‌آورند، در حقیقت غنیمت است» (نوری، ۱۴۰۷: ۱، ج: ۱، ۵۵۲).

انسان‌ها به طور تکوینی و تشریحی، مجاز به استفاده از تمام مواهب الهی هستند، ولی اجازه، جنبه وکالتی و امانت‌داری دارد و فقط می‌توانند در نقش وکیل تصرف کرده و از آن بهره ببرند. امام رضا^(ع) در ذیل تفسیر آیه غنیمت فرموده‌اند:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّنْقِيسِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ و ای مؤمنان بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید، خمس آن خاص خدا، رسول و خویشان او، یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود در روز فرقان، روزی که دو سپاه روبرو شدند نازل کرده‌ایم، ایمان آورده‌اید و خدا بر هر چیز تواناست (انفال/۴۱).

چون خداوند متعال مالک حقیقی است و آنچه در اختیار انسان است از سفره گسترده

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۳

نعمت‌های الهی برداشته شده، پس در حقیقت، انسان غنیمت‌بردار این خوان است، اموال او همه در حکم غنائم است و دیگران در آن سهیم هستند. پس در هر چیزی که مردم بهره می‌برند، چه کم و چه زیاد باشد (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۶۹۰)، «... وَأَنْفُقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مِّنْ خَلْقِهِ فِيهِ...» (حدید/۷) باید بخشی از آنرا انفاق کنید.

۲. انحصار و احتکار

یکی از راه‌های افزایش بی‌رویه ثروت، پدیده زشت احتکار و انحصار است. اقبال عده‌ای به این عمل، می‌تواند کمبود کاذبی پدید آورد، نرخ‌های اجناس و مایحتاج مردم را به‌طور ساختگی بالا برد و باعث افزایش ثروت آنان شود. کاربرد این معیار که بیشتر در جوامع با اقتصاد باز و آزاد جاری است، تمام جریان مولفه‌های اقتصادی را به‌سوی غایت معینی که سود بیشتر و انباشتن ثروت است، سوق می‌دهد. گرچه اسلام نیز، اصل را بر آزادی اقتصادی گذاشته است، ولی این آزادی تحت قیود و ارزش‌های مورد نظر مکتب اسلام است و نه آزادی مطلق، که فضای هرج و مرج را در پیش روی فرصت‌طلبان قرار می‌دهد. دستور اکید خداوند در آیه هفتم سوره حشر به پیامبر^(ص) این است که ثروت به‌دست آمده از جنگ را بین صحابه مهاجر و انصار خود تقسیم کند تا ثروت فقط در دست ثروتمندان قرار نگیرد.

امام رضا^(ع) درباره انحصارطلبی فرموده‌اند: «...وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَهْلِ الْأَسْتِثَارَةِ؛ بَرَاءَتُكَ مِنْهُمْ بَرَاءَتُكَ مِنْ رِزْقِ اللَّهِ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۲۶؛ عطاردی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۵۰۲).

استثنا (انحصارطلبی) از آثار شوم سرمایه‌داری و شیوه‌های نظام اشرافی و تکاثری است. استثنا در لغت به این معناست که انسان مال و متاع یا چیزی را که مورد میل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه خویش سازد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸: ۲۳۸) و با خودکامگی و استبداد، دست دیگران را از آن کوتاه کند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۹۹).

امام رضا^(ع) در فرازی از نامه خود به مأمون فرموده‌اند: دوستی اولیای خدا واجب است

و دشمنی با دشمنان خدا و بیزاری از ایشان و از پیشوایان واجب است... و بیزاری از انحصارطلبان (لازم است) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۲؛ حکیمی، ۱۳۷۶: ۳۴۳). حضرت علی^(ع) به مالک اشتر فرمودند: مبدا در آنچه که با مردم مساوی هستی، امتیازی خواهی (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۴). دلیل برائت جستن از چنین افرادی، بیشتر به آثار و تبعات آن دلالت دارد. روحیه تکاثر و افزودن ثروت و انباشتن آن، علاوه بر اینکه بسیاری از مردم را از نیازهای اولیه خود محروم می‌سازد، تبعات شومی مانند رشوه‌خواری که در این آیه بیان شده است: «و تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و خوردن مال حرام، شتاب می‌کنند! چه زشت است کاری که انجام می‌دادند!» (مائده/ ۶۲) و نیز رفع حاجت کسی مشروط به هدیه را نیز به دنبال دارد، زیرا امام رضا^(ع) فرمودند: «الرَّجُلُ الَّذِي يَقْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ - ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ؛ مردی که حاجت برادر خویش را برآورده می‌کند و سپس هدیه او را می‌پذیرد» (۱۴۰۶ق: ۸۲).

بشری که غالباً با تحصیل و دستیابی به ثروت، رفاه بیشتر می‌یابد، خود به خود به اسارت دنیا درآمده و به همان اندازه از خدا غافل می‌شود، به طوری که در حالت معمول باید با افزونی نعمت، شکرگزار خداوند بود، اما متأسفانه در این‌گونه افراد، روحیه عیاشی و خوشگذرانی اوج می‌گیرد تا آنجا که از موارد مشروع و مجاز الهی تجاوز می‌کند، یعنی با برخوردار از رفاه و راحتی بیشتر، سر به طغیان می‌گذارد (شوری/ ۲۷) و ادامه، به تعبیر قرآن کریم، این وضعیت منجر به مخالفت‌های زیادی با فرامین الهی می‌شود (سباء/ ۳۴) و در نهایت، آثار فساد این روش، دامن جامعه را می‌گیرد و حتی کسانی که در حاشیه این نوع سبک زندگی هستند به عذاب الهی دچار می‌شوند (اسراء/ ۱۶).^۱

این نتیجه حتمی که محصول نظام سرمایه‌داری است، باعث پدید آمدن جامعه طبقاتی و

۱. «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا؛ و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای مترفین آنجا (و ثروتمندان مست شهوت) بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم» (اسراء/ ۱۶).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۵

گردش ثروت در دست توانگران و استثنای (انحصارطلبی) اموال عمومی به طبقه‌ای خاص می‌شود و در مجموعه آموزش‌های رضوی مردود است. عبدالله بن صلت گوید، مردی از اهل بلخ گفت: در سفر خراسان با امام رضا^(ع) بودم، روزی سفره‌ای انداختند و غلامان سیاه و غیرسیاه را بر سفره گرد آوردند. گفتم: کاش برای اینها سفره‌ای جدا می‌انداختید: فرمودند: خاموش! خدای همه یکی است، مادر یکی، پدر یکی و پاداش هر کس بسته به کردار اوست (کلینی، ۱۳۸۲ق، ج ۲: ۴۸/۲).

۳. بیش غلط در کسب مال

از جمله عواملی که منجر به تکاثر و انباشتن سرمایه می‌شود، نوع نگرش و شناخت فرد نسبت به زندگی فعلی و آینده اوست. وقتی انسان به هر بهانه‌ای، خود را از نظام منسجم و منظم مکتب الهی رها کند، در حقیقت سرنوشت خود را در اختیار نظامی افسارگسیخته و حریص قرار داده است. از این رو، در این مسیر به هر روشی برای رسیدن به هدف که کسب سرمایه است، چنگ می‌زند.

امام رضا^(ع) فرمودند:

..و حُرْمَةُ السَّرِقَةِ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ وَ قَتْلِ الْأَنْفُسِ لَوْ كَانَتْ مُبَاحَةً وَ لِمَا يَأْتِي

فِي التَّعَاصِبِ مِنَ الْقَتْلِ وَ التَّنَازُعِ وَ التَّحَاسُدِ؛ سرقت تحریم شد چون مایه فساد اموال و کشتن مردمان است و به این علت که دست‌درازی و غضب (اموال دیگران) موجب کشتار، درگیری و حسدورزی است و اینها، مردم را به رها کردن داد و ستد و کسب مال از غیر راه صنعت و کار فرا می‌خواند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۹۷/۲).

در این حدیث شریف که ذکر شد، فساد مالی، تجاوز و قتل روشن است. زیرا با سرقت و غضب، جریان مال در جامعه دچار هرج و مرج می‌شود و امنیت کافی برای کارهای اقتصادی باقی نمی‌ماند. در حقیقت، حرام دانستن چنین درآمدهایی در شریعت که از طریق قمار، غناء، مجالس لهو و لعب و ... به دست می‌آید، همگی برای تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی جوامع انسانی است که از این رهگذر، می‌توان به ایجاد روابط عادلانه و مدیریت

عاقلانه رسید و از پایمال کردن حقوق مردم جلوگیری کرد.

امام رضا^(ع) فرموده‌اند: «...وَ إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ وَ ارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهِي وَ يَهْوَاهُ مِنْ غَيْرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ كَانَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ...» (همان: ۹۹)، زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند، هر کس هر چه دلش خواست کرد، بدون اینکه کسی نظارت کند، مردم همگی به فساد و تباهی دچار می‌شوند (حکیمی، ۱۳۷۶: ۴۸). این حدیث می‌گوید آزادی مطلق در فعالیت‌های اقتصادی مانند به‌دست آوردن پول، فروش کالا به هر قیمت و رفتارهایی که با عقاید، باورها و احکام الهی منطبق نیست، ممنوع است (نساء/۲۹)^۱.

تکثرگرایی و تأثیر آن بر زندگی در بیان امام رضا^(ع)

یکی از امتیازهای هر نظام اقتصادی، توانایی آن در تعدیل ثروت و مؤلفه‌های اقتصادی است. نظام اقتصادی که زندگی بشر را شکل می‌دهد، به‌مثابه ارگان‌یسمی دارای حیات، فعالیت می‌کند. گاه و بی‌گاه این پیکر نیز مانند بدن انسان در معرض نوسان‌ها و حوادث ناگهانی و مختلف قرار می‌گیرد. اهمیت و ارزش یک نظام، زمانی روشن می‌شود که بتواند در مقابل تمام شوک‌های مادی و معنوی، مقاومت کند و خود را با شرایط و مقتضیات پیش آمده، تطبیق دهد. از این رو طبق باور برگرفته از قرآن و مجموعه آموزه‌های معصومان^(ع)، بهترین نظام اقتصادی که می‌تواند در حوزه‌های مختلف برای جامعه بشری تعدیل و اعتدال ایجاد کند، نظام اقتصادی اسلام است. در این بخش به یکی از پدیده‌های جاری، یعنی تکثر و تأثیر آن از بُعد مادی و معنوی بر زندگی از منظر امام رضا^(ع) پرداخته می‌شود.

۱. آثار مادی تکثر بر زندگی

توجه به مادیت و افزون‌طلبی، به‌طور غریزی در انسان وجود دارد^۲ (عادیات / ۸). این

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید مگر اینکه تجارتي با رضایت

شما انجام گیرد و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است» (نساء / ۲۹).

۲. «وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ و او علاقه شدید به مال دارد!» (عادیات / ۸).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۷

ویژگی در طول تاریخ توانسته است افراد زیادی را سرگرم خود کند و آنان را از هدف متعالی دور سازد. قرآن کریم در این باره به شعار بنی اسرائیل اشاره دارد آنجا که می‌فرماید:

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ
الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا...؛ و نیز به خاطر بیاورید زمانی را
که گفتید: ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفاء کنیم! از خدای خود
بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات، خیار، سیر، عدس و پیازش، برای ما
فراهم سازد (بقره / ۶۱).

وقتی آنان قدر نعمت‌های الهی، از جمله نعمت رهبری حضرت موسی^(ع) را ندانستند، تنوع‌طلبی و تکاثر‌طلبی را پیشه خود ساختند و شعار «لَنْ نَصْبِرَ» را سردادند، خطاب آمد: به شهر درآیید، آنچه می‌خواهید (از تنوع و تکثر رزق) در آنجاست (بقره/۶۱). اما پیامد آن، خواری و ذلت در حیات مادی خواهد بود (همان). چنین روحیه‌ای درباره تمام کسانی که هدف و محور زندگی خود را در مسیر غیرالهی قرار دادند، منطبق است. مانند سرمایه‌داری که از طریق ربا دنبال فزونی مال خویش است و خداوند فرمود: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ خداوند، ربا را نابود می‌کند و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنه‌کاری را دوست نمی‌دارد» (بقره / ۲۷۶).

رباخواری

روحیه تکاثر، انباشتن ثروت و دامن زدن به آن، باعث می‌شود که فرد برای رسیدن به این هدف سرمایه خود را از راه‌های مختلف به‌کار گیرد. اسلام در حالی که از احتکار، گنج کردن پول و راکد گذاردن آن جلوگیری می‌کند، بهره‌کشی به وسیله پول از طریق رباخواری را نیز ممنوع کرده است (نساء/۱۶۱). نکوهش رباخواری و توصیه به پرداخت حقوق واجب، از جمله زکات (روم/۳۹)، وعده عذاب به یهودیان کافر به خاطر کردار رباخواری (آل عمران/۱۳۰) و اعلام جنگ با خدا و رسولش (بقره/۲۷۸) همه نشان از پیامدهای زشت این عمل دارد.

امام رضا^(ع) در خصوص علت تحریم ربا فرمودند:

وَعَلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا إِنَّمَا نَهَى اللَّهُ عَنْهُ لِمَا فِيهِ مِنْ فُسَادِ الْأَمْوَالِ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى
الدَّرْهَمَ بِالْأَرْهَمَيْنِ كَانَ تَمَنُّ الدَّرْهَمِ دَرْهَمًا وَ تَمَنُّ الْأَخْرِ بَاطِلًا فَيُبْعِ الرَّبَا وَكُسُ عَلَى كُلِّ
حَالٍ عَلَى الْمُشْتَرِي وَ عَلَى الْبَائِعِ فَحَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الرَّبَا لِغَلَاةِ فُسَادِ الْأَمْوَالِ كَمَا
حَظَرَ عَلَى السَّقِيهِ أَنْ يُدْفِعَ مَالَهُ إِلَيْهِ لِمَا يُتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ إِفْسَادِهِ حَتَّى يُؤَنَسَ مِنْهُ رُشْدُهُ
فَالْهَذِهِ الْعَلَّةُ حَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا؛ علت حرام بودن ربا؛ خدای بزرگ بدان جهت ربا را نهی
کرده که مایه تباهی اموال است، چه اگر آدمی یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای
درهم یک درهم است و درهم دوم ناحق است، پس فروختن و خریدن به ربا به هر
حال مایه زیان خریدار و فروشنده است. این است که خداوند متعال، ربا را از جهت
فسادی که در اموال پدید می‌آورد حرام کرده است، به همان گونه که دادن مال شخص
سقیه را به دست او حرام کرده است، چه در اینجا نیز بیم فساد شدن مال می‌رود، تا
زمانی که به رشد برسد چنین است و علت تحریم ربا در تأخیر پرداخت بدهی نیز، از
بین رفتن معروف و نیکی است و تلف شدن اموال و تمایل مردمان به ربح (بهره) و
ترک وام دادن و به کار نیکو پرداختن. اینها همه سبب فساد است و ظلم و نابودی
اموال مردمان (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۹۴-۹۳).

ایشان در این روایت بر پیامد فساد در اقتصاد ربوی تکیه می‌کنند. چون به ظاهر در
جریان ربوی، مال رباخوار فاسد و نابود نمی‌شود، بلکه رشد می‌کند، اما از طرفی دیگر
شیوع فساد مالی و نابودی در کل اقتصاد جامعه و اموال توده‌های مردم جریان می‌یابد. اموال
باید مانند خون به طور متعادل در تمام اندام اجتماع جریان یابد، چیزی که این جریان را به
هم می‌زند و باعث می‌شود در برخی از اندام اجتماع، متراکم و بخشی از اعضا را با
کم‌خونی روبرو کند، نظام ربوی است.

امام رضا^(ع) در فرازی دیگر، از عقبه نظام ربوی پرده برداشته و می‌فرمایند:

وَعَلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِغَلَاةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلْفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي
الرَّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفُسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ قَسَاءِ

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۴۹

أَمْوَالٌ...؛ علت تحریم ربا در نسیه (معامله‌های غیر نقدی)، نابودی و تباهی اموال است... (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۸۳/۲).

روایت بیان شده، به یک واقعیت حتمی اجتماعی اشاره دارد که سرمایه‌دار با روحیه تکثیرگرایی خود می‌تواند همچون مکنده قوی، خون کل جامعه را بمکد و رفته‌رفته به نابودی بکشاند، بخش عظیمی از بدنه جامعه را تباه کند و جریان حقیقی یک زندگی را که باید همراه با نشاط، پیشرفت و تعالی باشد، منحط سازد.

کم‌فروشی و استعمار

از دیگر مشخصات روحیه افراد افزون‌طلب، کم بها دادن به دسترنج مردم است. به‌طور مثال در مقابل زحمت فراوانی که کارگران برای استخراج مواد اولیه از دل طبیعت و مزارع متحمل می‌شوند، عده‌ای ارزش واقعی کار آنها را پرداخت نمی‌کنند و به تعبیر قرآن کریم اعمال «بخس» می‌کنند (هود/۸۵؛ اعراف/۸۵).

مرحوم طبرسی ذیل آیه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» می‌گوید: «غرض آیه این است که حق مردم را کم مکنید و ایشان را از حقوقشان محروم مسازید» (۱۳۷۸، ج ۱: جزء ۷ و ج ۸: ۸۰۴).

امام رضا^(ع) فرمودند:

اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ وَ هِيَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتَامَى ظُلْمًا وَ أَكْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلًا بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ بِهِ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ السُّخْتُ بَعْدَ الْبَيْتَةِ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْبَخْسُ فِي الْمِيزَانِ وَ الْمَكْيَالِ وَ قَدْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ الزَّانَا وَ اللَّوَاطُ وَ الشَّهَادَاتُ الزُّورُ وَ الْبَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ وَ الْأَمْنُ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛ از گناهان کبیره مانند آدم‌کشی، کاستن پیمان‌ها و خیانت پرهیز کنید... (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۶ق: ۴۲۲).

سرمایه‌داران از این رهگذر به اموال فراوانی دست می‌یابند و همواره از رشد تصاعدی سرمایه برخوردار و در مقابل، توده‌ها و اقشار جامعه روز به روز ناتوان‌تر می‌شوند.

❖ ۱۵۰ فرهنگ رضوی

پیامبر (ص) فرمودند:

وَمَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ - وَرِيحُهَا يُوجَدُ مِنْ
مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ؛ هر کس به کارگری ظلم کند، خداوند اعمال او را تباه می‌سازد
و نسیم بهشت را بر او تحریم می‌کند، حال آنکه نسیم بهشت از مساحت ۵۰۰ سال
راه به مشام می‌رسد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹: ۱۰۷).

استثمار و بهره‌کشی از فرد، در حقیقت نوعی خوار شمردن اوست. نتیجه این نوع رفتار علاوه بر پیامدهای روانی، می‌تواند برای قشر عظیمی از جامعه، محرومیت شدید اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی و رفاه‌طلبی افسارگسیخته می‌تواند نتیجه ثروت‌های بادآورده‌ای باشد که فرد از طریق تبانی، امتیازهای انحصاری و پرداخت نکردن حقوق شرعی و قانونی به‌دست آورده است. این امر می‌تواند افراد برخوردار از درآمدهای زیاد را به زندگی اشرافی و تجمل‌گونه سوق و در مسیر ولخرجی و اسرافکاری قرار دهد. این‌گونه ولخرجی‌ها موجب می‌شود که بخشی عظیمی از امکانات جامعه در اختیار آنها قرار گیرد و عده زیادی بی‌بهره و گرفتار فقر و نداری شوند. امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ السَّرْفَ يُورِثُ الْفَقْرَ» (همان، ج ۱۷: ۴۶)، البته اسلام با تحریم اسراف و تجمیع ثروت و تشویق به انفاق، از بروز تضادها و اختلاف ثروت‌ها جلوگیری می‌کند. اساساً این تحریم‌ها، چنانچه ذکر شد به‌منزله استفاده نکردن از نعمت‌های الهی نیست. وقتی نعمت‌ها با رعایت شرایط و ضوابط آن مانند حلال بودن منبع درآمد، اسراف نکردن و ادای حقوق دیگران به‌دست آید، استفاده از آنها از نظر شرع پسندیده و مطلوب است. ابی طیفور پزشک گفت:

سَأَلَنِي أَبُو الْحَسَنِ (ع) أَيَّ شَيْءٍ تَرَكَبُ قُلْتُ حِمَارًا فَقَالَ بَكُمِ انْتَعَتْهُ قُلْتُ بِلِثَاثَةِ عَشَرَ
دِينَارًا فَقَالَ إِنَّ هَذَا هُوَ السَّرْفُ أَنْ تَشْتَرِيَ حِمَارًا بِثَلَاثَةِ عَشَرَ دِينَارًا وَتَدْعَ بَرْدُونًا؛ امام
رضا (ع) از من سؤال کردند: سوار چه مرکبی می‌شوی؟ گفتم: الاغ. گفتند: چند

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۱

خریدی؟ گفتیم: ۱۳ دینار. گفتند: این خود اسراف است که خری به ۱۳ دینار بخری و اسب نخری (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۳۰/۲۲).

خداوند متعال در قرآن کریم با تعابیر مختلفی، بهره‌برداری از همه مواهب و امکانات طبیعی را توصیه کرده است (نحل/۸۰). این بیانات در صورتی راهگشاست که در جامعه، تعادل و توازن در امور مالی جاری باشد.

از منظر دیگر، امام رضا^(ع) برای جلوگیری از محرومیت عده‌ای از مردم، افراد بهره‌مند و برخوردار از ثروت را به اداره امور آنان امر می‌کند: «عِلَّةُ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۸۹/۲). خدا، توانمندان را مکلف کرده است که امور زندگی بیماران زمین‌گیر و تیره‌بختان را سامان دهند. نادیده گرفتن این بیانات می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه اسلامی وارد کند. مسئله تورم به‌عنوان یکی از مشکلات نظام‌های اقتصادی جهان امروز، رهاورد جریان تکاثری و رشد ناموزون نظام سرمایه‌داری است که منجر به بر هم زدن تعادل در جامعه می‌شود.

امام سجاده^(ع) در توصیف مردمان چنین روزگاری می‌فرماید:

مردمان در روزگار ما بر شش طبقه‌اند: شیر، گرگ، روبه، سگ، خوک و گوسفند. شیرصفتان، پادشاهان دنیایند که هر یک دوست دارد (بر همه) چیره باشد و کسی بر او چیره نشود. گرگ‌صفتان، بازرگانان هستند که هر وقت (کالایی بخواهند) بخرند، آن‌را نکوهش و هر گاه خواستند، بفروشند، ستایش می‌کنند. روباه‌صفتان، کسانی هستند که از راه دینشان نان می‌خورند و آنچه بر زبان توصیف می‌کنند در دل‌هایشان نیست. سگ‌صفتان، کسانی هستند که با گفتار خود بر مردم زوزه می‌کشند و مردم از شر زبانشان متنفرند. خوک‌صفتان، نامردان و امثال آنانند که بر هر کار زشت و پلیدی فراخوانده شوند، پاسخ می‌گویند. گوسفند‌صفتان، کسانی هستند که پشم‌هایشان را می‌چینند، گوشت‌هایشان را می‌خورند و استخوان‌هایشان را می‌شکنند. گوسفند در میان شیر، گرگ، روبه، سگ و خوک چه بکند؟! (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۲۵/۶۷).

۲. آثار معنوی تکاثر بر زندگی ❖

تکاثر و ترس از انفاق به‌عنوان پدیده شوم نظام سرمایه‌داری، ریشه در خوی و شیوه تفکر و نگرش فرد دارد (اسراء/۱۰۰)^۱. از این رو برای شناخت ماهیت این پدیده و پی بردن به آثار آن بر زندگی انسان، باید قبل از طرح هر موضوعی به خود انسان بازگشت. معیار تمایز بنیادین بین بینش مکتب اسلام با مکاتب دیگر، این است که تمایل به غذا، گرایش جنسی، حب مال و جاه، تجمل‌خواهی، تکاثرگرایی و ... همگی قبل از تولد فرد، فعالیت خود را در رحم مادر با نیروی جذب غذا آغاز و پس از آمیختگی با مجموعه نظام فرهنگی و تربیتی در جامعه رخ‌نمایی می‌کنند. در مکتب اسلام برای تشخیص آثار و پیامدهای موضوعاتی همچون تکاثر باید به انگیزه درونی فرد، اندیشه‌ها و روحیه او رجوع کرد و با پی بردن به آن معایب، به تهذیب و تربیت پرداخت.

ترک کارهای خیر و گرایش به سودجویی

در نظام سرمایه‌داری، رفتار افراد بر محور سود و رشد ثروت متمرکز می‌شود. کسانی که به روحیه تکاثرگرایی آلوده شده‌اند، در مسائل زندگی تمام هم و غم خود را متوجه زیاد شدن ثروت می‌کنند. امام رضا^(ع) یکی از دلایل تحریم ربا در نسیه را، از دست رفتن نیکوکاری، گرایش مردم به سودخواهی و رها کردن کارهای نیک می‌دانند (عطاردی، ۱۳۵۱، ج ۲: ۳۰۶).

افراد با چنین روحیه‌ای، هر کار خیری را به منزله ضرر می‌دانند. کار خیر که امری معروف است در نزد آنان، به امری نامطلوب تبدیل می‌شود و امر ناپسندی را که بی‌توجهی به بی‌بضاعت‌ها و ... است، امری پسندیده می‌دانند، یعنی منکر در نزد آنان امری معروف است. *يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَالْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرَعُهُمْ فِي الْمُعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ؛* و در شهوات سیر می‌نمایند. معروف در میان آنان چیزی است که خود معروف

۱. «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا أَنْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا؛ بگو: اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید، در آن صورت، (به‌خاطر تنگ‌نظری) امساک می‌کردید، مبادا انفاق، مایه تنگدستی شما شود و انسان تنگ نظر است!» (اسراء/۱۰۰).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۳

دانند و منکر نزدشان همان است که خود منکر می‌دانند. پناهگاهشان در مشکلات، خودشان هستند (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۱).

به‌طور قطع، وقتی در جامعه‌ای، اصالت با ثروت و کسب سود بیشتر شد، بسیاری از فضائل منحصر به فرد انسان که در سایه شخصیت فطری او جریان دارد، منسوخ می‌شود. تمایل به امر خیر و دوری از خودخواهی و افزون‌طلبی، همه بر محور شخصیت انسانی و فطری بشر است. امام صادق^(ع) فرمودند: بی‌تردید پایداری مسلمانان و اسلام در این است که اموال نزد کسانی باشد که حق را در اموال بشناسند. به معروف در آن عمل کنند و بی‌گمان نابودی اسلام و مسلمانان هنگامی است که سرمایه‌ها در دست کسانی قرار گیرد که نه حق را در آن بشناسند و نه به معروف و نیکی تن دهند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۵۲۱).

از این رو اموالی که دیگران از آن بهره نبرند، برای مؤمن، شایسته نیست و بهتر است که نباشد. رسول خدا^(ص) فرمودند: نابود باد طلا، نابود باد نقره (تا سه مرتبه). موضوع بر اصحاب ایشان گران آمد، عمر پرسید: چگونه مالی داشته باشیم؟ فرمودند: زبان ذکر گو، دل سپاسگزار و همسری مؤمن که شما را یاری کند تا دیتان را حفظ کنید (حویزی عروسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۱۳).

لذا پایداری اسلام، به جریان درست اموال در جامعه بستگی دارد و درستی آن، زمانی است که مردم آن را در راه احیای معروف به‌کار گیرند. این امر میسر نمی‌شود، مگر اینکه، انسان خود را با مهارت دین‌میزین کند که در سراسر قرآن به آن اشاره شده است (نک: رعد/۲۴-۱۹).

احساس بی‌مسئولیتی

در نظامی که روحیه تکاثرگرایی و رفاه‌زدگی مرسوم شود، فرایض و تعهدها از جمله تعهدهای اجتماعی، کم‌کم از جامعه رخت برمی‌بندند و حس مسئولیت در قبال دیگران کم‌رنگ می‌شود. پیامبر^(ص) جامعه را در برابر یکدیگر مسئول می‌دانند (پاینده، بی‌تا: ۴۵۷). چون مشکلات مردم و کارهای آنها توسط یکدیگر اصلاح می‌شود، «وَاعْلَمُوا أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ»

❖ ۱۵۴ فرهنگ رضوی

❖ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ؛ آگاه باش که مردم مملکت، گروه‌های مختلف هستند که هر گروه جز توسط گروه دیگر اصلاح نمی‌شود» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۱).

تا زمانی که روحیه مسئولیت‌پذیری و حس همکاری در بین مردم نباشد، کمک به دیگران امکان‌پذیر نخواهد بود. امام رضا^(ع) کمک به زیردستان و نیازمندان را وظیفه افراد توانمند می‌داند.

اصل تعهد و احساس مسئولیت در قبال خود و دیگران، امری مفروض در مکتب اسلام است. انسان بی‌تفاوت، در مکتب اسلام جایگاهی ندارد. امام رضا^(ع) فرمودند: با کمک‌رسانی مادی (بی‌بضاعت‌ها را) در امور معنوی نیز مدد رسانید (مجلسی، ۱۳۷۴، ۲: ۹۶/۶).

متأسفانه یکی از مواردی که موجب می‌شود، افراد تکاثرگرا در قبال جامعه بی‌تفاوت شوند، ارزش‌گذاری آنان با ثروتشان است، در حالی که اساس این ارزش‌گذاری ریشه در دوران جاهلیت بشر دارد. این رویه می‌تواند باعث بالا بردن شخصیت کاذبی برای آنان شود و در مقابل شخصیت افرادی که از مواهب دنیا بهره‌مند نیستند، تحقیر شود. مکتب اسلام با یک برنامه تربیتی همه‌جانبه، کوشیده است تا معیار بودن ثروت را از بین ببرد. از این رو «وَمَنْ أَمَى غَنِيًّا فَتَوَاضَعَ لَهُ لِنِغَاهُ ذَهَبٌ ثُلَاثًا دِينَهٍ؛ و هر که ثروتمندی را به‌خاطر ثروتش فروتنی کند دوسوم دینش از دست رفته است» (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۸/۵ و ۸). بنابراین اسلام، احترام برای ثروتمند به دلیل ثروتش را محکوم می‌کند. در مقابل، تحقیر فقرا به‌خاطر فقرشان را ممنوع می‌سازد (مجلسی، ۱۳۷۴، ۲، ج ۷۵: ۱۴۲) و همنشینی با ثروتمندان را مایه مردگی دل می‌داند (کلینی، ۱۳۸۳، ۳، ج ۶: ۵۰۰).

امام رضا^(ع) منشأ بی‌توجهی به مردم را در همین روحیه تکاثرگرایی می‌داند و می‌فرماید:

لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ يُبْخَلُ شَدِيدًا وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةٍ الرَّحِيمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ مال دنیا جمع نشود مگر در سایه پنج خصلت: بخل زیاد، آرزوهای دراز، آزمندگی چیره بر انسان، ترک صله رحم و ترجیح دنیا بر آخرت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۳۴).

تکاثر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۵

این پنج مورد که حضرت اشاره فرمودند، همگی به خصلت مال‌دوستی و گرایش به تجمل و تکاثرگرایی برمی‌گردد. لذا لازم است در برخورد با چنین افرادی، از آنان فاصله گرفت تا با خوش‌باوری کاذب، بر جان و مال مردم سیطره نیابند. امام رضا^(ع) فرمودند: از اسلام خالص این است که از کسانی که اموال را منحصر به خود می‌کنند، بیزاری جست (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۸: ۱۷۵).

فراموش کردن آخرت

از جمله آثار زیانبار تکثرگرایی و رفاه‌طلبی، هدف قرار گرفتن دنیا و زندگی آن، در مقابل آخرت است. آنچه در مسیر حرکت مادی این عالم با روح تعالیم ادیان الهی سازگار نیست، پدیده‌های ناهمگون نظام سرمایه‌داری است. وقتی سرمایه که می‌تواند وسیله رفع نیازهای بشر شود، در دست عده‌ای دنیادوست قرار گیرد، نعمت‌های زیادی در بین مردم رخت برمی‌بندد.

قرآن کریم در آیه هفتم سوره یونس، از چنین افرادی که به زندگی دل خوش کرده‌اند، با سرگرم شدن به آن رضایت داده‌اند و از یاد خدا غافل شده‌اند، با نکوهش و ملامت یاد می‌کند. پیامبر^(ص) خطاب به ابن مسعود فرمودند: ابن مسعود، پس از من مردمی می‌آیند که غذاهای خوب و رنگارنگ می‌خورند... خانه‌ها می‌سازند، کاخ‌ها برافراشته می‌دارند و مساجد را تزیین می‌کنند. [ایشان] جز به دنیا نمی‌اندیشند، در آغوش دنیا منزل می‌گزینند و بدان تکیه می‌زنند. شرافت و ارزش آنان به پول بسته است و تنها برای شکمشان می‌کوشند، اهدافشان خوردن است. اینان بدترین بدترینان هستند، فتنه‌ها و حوادث ویرانگر از آنان سرچشمه می‌گیرد و به آنان نیز باز می‌گردد (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۲: دفتر اول/۴۳۱).

مصادیقی که حضرت فرمودند، همگی در حب و علاقه به دنیا ریشه دارد. امام صادق^(ع) فرمودند: بدان که هر فتنه و حادثه‌ای خاستگاه آن حب دنیاست (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۴۰۴/۴). عشق به دنیا و ادامه آن، فرد را به جمع‌آوری مال تشویق می‌کند. این ثروت می‌تواند دامنه و گستره آرزوهای فرد را قوی کند (تمیمی‌آمدی، ۱۳۸۲: ۴۷). به‌طور

سال دوم، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۳

قطع هر کس دل به آرزوهای دراز دنیا بندد، عملکردش بد شود (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۶: ۴۷۵) و در نهایت به حالت مغرورانه قیامت را هم تکذیب کند (کهف/۳۵).

نتیجه‌گیری

۱. تکاثر، افزون‌خواهی و برتری جستن بر دیگران، یکی از بزرگ‌ترین عوامل سقوط و غفلت آدمی از یاد خدا و بی‌توجهی به دین، سرپیچی از اوامر و پرهیز نکردن از نواهی الهی است. ارمغان چنین تفکری، برخورداری اندک و فناپذیری از مواهب دنیوی و پیامدهای مادی و معنوی گسترده‌ای به دنبال خواهد داشت.
۲. کالبدشکافی مفهومی و کاربردهای قرآنی و آثار مادی و معنوی از بررسی مجموع آیات و روایت‌ها و آموزه‌های معصومان^(ع) به‌ویژه در سیره رضوی درباره تکاثر نشان داد که باید به‌شدت از پرداختن به چنین حس ویرانگری برحذر بود. البته از طرفی دیگر در صورتی که این حس در مسیر صحیح خود، با کنترل و هدایت بر گرفته از آموزه‌های دینی قرار گیرد، برای آدمی عاقبت خوبی را در دنیا و آخرت رقم خواهد زد.
۳. مهم‌ترین ملاک و معیارهای تکاثر در آموزه‌های دینی عبارت‌اند از: اصالت دادن به مالکیت انسان، انحصار و احتکار و بینش غلط در کسب مال.
۴. بررسی‌ها در سیره و روایت‌های رضوی نشان می‌دهد رباخواری، کم‌فروشی و استثمار و تجمل‌گرایی، از مهم‌ترین آثار مادی تکاثر بر زندگی است. از سوی دیگر ترک کارهای خیر و گرایش به سودجویی، احساس بی‌مسئولیتی و فراموش کردن آخرت نیز مهم‌ترین آثار معنوی تکاثر بر زندگی است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق). **عیون أخبار الرضا**^(ع). مصحح سیدمهدی حسینی لاجوردی، چاپ اول، تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵). **علل الشرائع**. چاپ اول، بی‌نا: کتاب‌فروشی داوری.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۱۶ق). **تحف المقول عن آل الرسول**. الطبعة الرابعة، قم: الاسلامی.
- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. محقق عبدالسلام محمدهارون، بی‌جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا**^(ع)، (۱۴۰۶ق). چاپ اول، مشهد: آل البيت^(ع).
- ایروانی، جواد، (۱۳۹۱). **آشنایی با اقتصاد اسلامی**. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بحرانی حسینی، سید هاشم، (۱۴۱۵ق). **البرهان فی تفسیر القرآن**. الطبعة الاولى، قم: البعثة.
- پاینده، ابوالقاسم، (بی‌تا). **نهج الفصاحه**. گردآورنده و مترجم ابوالقاسم پاینده، بی‌جا: جاویدان.

- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۲). *غررالحکم و دررالکلم*. مترجم. محمدعلی انصاری، چاپ دوم، قم: امام عصر (عج).
- حراغلی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*. مصحح مؤسسه آل‌البت، چاپ اول، قم: آل‌البت.
- حکیمی، محمد، (۱۳۷۶). *معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی*. چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حویزی عروسی، علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. الطبعة الرابعة، قم: اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. محقق صفوان عدنان داودی، الطبعة الاولى، بیروت: الدار الناقبه.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۹۱). *سیمای اقتصاد اسلامی*. چاپ سوم، قم: امام صادق.
- شریف‌رضی، محمدبن حسین، (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. مصحح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت.
- صافی، محمودبن عبدالرحیم، (۱۴۱۸ق). *الجدول فی اعراب القرآن*. چاپ چهارم، بیروت: دارالرشید مؤسسه الإیمان.
- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۵۰). *اقتصاد ما*. ترجمه محمدکاظم موسوی، چاپ اول، بی‌جا: اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰). *تفسیر المیزان*. مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ سی و یکم، قم: اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل، (۱۳۸۹). *مکارم الاخلاق*. تصحیح عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، چاپ چهارم، قم: نوید اسلام.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مترجم علی کرمی، تهران: فراهانی.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. به کوشش سید احمد حسینی، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- عطاردی، عزیزالله، (۱۳۵۱). *مسند الامام الرضا*. بی‌جا: الصدوق.
- علی بن موسی، امام هشتم، (۱۴۰۶ق). *صحیفة الإمام الرضا*. مصحح محمد مهدی نجف، مشهد: کنگره جهانی امام رضا، چاپ اول.
- فخررازی، محمد، (۴۲۳ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دارالفکر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.

تکثیر و تأثیر آن بر زندگی در ... ❖ ۱۵۹

- قمی، عباس، (۱۴۱۴ق). *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*. چاپ اول، قم: اسوه.
- قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. مصحح حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۵۰). *الفروع من الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۳). *اصول کافی*. مترجم محمدباقر کمره‌ای، چاپ ششم، تهران: اسوه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۲ق). *الروضة من الکافی (گلستان آل محمد)*. مترجم محمدباقر کمره‌ای، چاپ اول، تهران: کتاب‌فروشی اسلامییه.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۴). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. چاپ سوم، تهران: المکتبه السلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. مصحح سید هاشم رسولی مجلاتی، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مصباح الشریعة*. (منسوب به جعفر بن محمد^(ع))، (۱۳۶۰). مترجم حسن مصطفوی، چاپ اول، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. چاپ سوم، بیروت، لندن و قاهره: دارالکتب العلمیه - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- مطهری، مرتضی، (بی تا). *مجموعه آثار*. بی جا: بی نا.
- مفضل بن عمر، (۱۳۷۹). *توحید مفضل*. مترجم محمدباقر مجلسی، مصحح ناصر باقری بیدهندی و محمدحسین طباطبایی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۶۶). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۷ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. الطبعة الاولى، قم: آل‌الیت^(ع).
- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق). *اسرار آل محمد*. مصحح محمد انصاری زنجانی خوئینی، چاپ اول، قم: الهادی.